

## قانون خوش نویسی

خوش نویسی تاریخ قدیمی و طولانی دارد. ایرانیها برای ترویج و حفظ هنر خطی مساعی جدی را بخرج داده اند. معتقدیم که هنر خوش نویسی آن هنر دقیق و ظریف است که از يك سو همقدم با ذوق و عشق و از سوی دیگر دمساز دانش و خرد است و هنرمند با این دو، در راه فضیلت و کمال و درجات عالی انسانی گام میگذارد. نتیجهء همین نظر است که کتابها و رسائل متعددی دربارهء هنر خوشنویسی و قواعد آن بفارسی در ایران و هند نوشته شده است. بعضی از خوشنویسان هم کتابهایی دربارهء نتایج کار خود را در این ضمن به نثر و نظم فارسی مرقوم نموده اند.

اهمیت خوشنویسی حتی در زمان ما هم شناخته شده است و در این ضمن آنچه مهاتما گاندهی، رهبر روحانی و سیاسی هند، در این مورد نوشته است، برای روشن ساختن این موضوع کفایت میکند. او مینویسد:

تمیدانم از کجا این فکر به مغز من راه یافت  
که داشتن خط خوب قسمت مهم تحصیل نیست

و تا زمانی که به انگلستان رفتم این تصور در من قوی بود، اما سالها بعد بخصوص در آفریقای جنوبی وقتی که خط قشنگ و کلای دادگستری و جوانانی را که در خود آفریقا متولد شده و درس خوانده اند، دیدم، از خود خجالت کشیدم و برای چنین غفلتی توبه کردم. فهمیدم که خط بد را بعنوان تعلیمات و تحصیلات ناقص تلقی میکنند. بعدها سعی کردم خطم را خوب کنم ولی دیگر دیر شده بود. هیچ وقت نتوانستم آن غفلت جوانی را جبران کنم. هر زن و مرد جوانی باید از این بلائی که بسر من آمد سر مشق بگیرند و بدانند خط خوب قسمت مهم تحصیلات است. اکنون معتقدم باید بکودکان اول نقاشی آموخت، بعد فن تحریر و بهتر است کودک حروف الفبا را چون سایر اشیاء مثل گل و پرندگان و غیره از طریق مشاهده بیاموزد و بشناسد و زمانی به او خط تعلیم دهند که قادر باشد تصویر اشیاء را بکشد. در این وقت است که میتواند قشنگ و خوش خط بنویسد.

( مأخوذ از: "سرگذشت مهاتما گاندی" ترجمه بفارسی از مسعود برزین، تیرماه ۱۳۳۵ هـ ش، ص: ۱۲).

در اینجا رساله ای مختصر بنام "قانون خوشنویسی" بچاپ رسانده میشود. عبدالاحد رباط ابن محمد فایق این

رساله را دربارهٔ قواعد خوشنویسی و آداب آن بنثر آمیخته با نظم بحیثهٔ تحریر آورده است. او در هنر خوشنویسی شاگرد حافظ محمد ابراهیم ابن حافظ نورالله است که استاد فرمانروای اوده نواب آصف الدوله بهادر (متوفی: ۱۲۱۲/۱۷۹۷) بود. عبدالاحد رابط این رساله را "بطرز" خاص "برای طالبان این فن" نوشته. همچنین برای "پاس خاطر احباً" مطالب رساله را اول بنثر و بعداً بنظم آورده است. زبان و بیان نویسنده در این رساله سلیس و ساده است. محتوای رساله نشان میدهد که نویسنده با تاریخ خوشنویسی آشنایی داشت و بنابراین قادر شد که باین نتیجهٔ اساسی برسد که در تاریخ هنر خوشنویسی حایز اهمیتی بسزا میباشد.

از حرف شین منقوط اوستادان سلف چند حروف پرآورده بودند. فی زماننا سردفتر خوشنویسان روزگار، نسخ ساز خط خوش خطان ذوالاقتدار، یادگار اساتذہٗ سلف، فخر اوستادان خلف یعنی حافظ محمد ابراهیم دام اسمہ از حرف مذکورہ ہفتہٗ حرف مفردات برآوردند.

عکس نسخهٔ خطی "قانون خوشنویسی" در کتابخانهٔ خانۂ فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، دہلی نو مضبوط است و کندن لال خیرآبادی آنرا در لکھنو در دوم شوال ۱۲۶۹ھ بتقاضای مرزا قاسم بیگ و برای میرزا مسیتا بیگ

کتابت کرده است. باید عرض کرد که این رساله به خط نستعلیق استنساخ شده و در مورد خود تواعد خط نستعلیق است. قند پارسی توسط کامپیوتر چاپ میشود و خط آن نسخ است. بنابر این بعضی نکاتی که نویسنده میخواست به قارئین رساله دربارده، آداب خوشنویسی بعضی حروف توضیح بدهد، بنابر خط نسخ این مجله، روشن نشده است. باز هم امید داریم که اصل مطلب نویسنده برای خوانندگان گرامی واضح خواهد شد.

شریف حسین قاسمی

## قانون خوش نویسی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فاتحه، کلام اهل کلام<sup>(۱)</sup>: مقتضی حمد خوش نویسی است که خامه، ندرت نگار قدرتش به ترکیب کاف و نون همه مفردات موجودات از دایره، بیضاوی فلک تا نقطه، بسیط زمین بر صفحه، هستی ثبت فرمود. بیت:

صانع بی عیب ز علت بری نور فزای قمر و مشتری

(ص: ۲) و خاتمه، مرام اهل مرام منحصر بمحمدت محمودی است که بیدستیاری قلم بر صفحات صحایف آسمانی از

الف آدم تا میم مسیح خط نسخ رقم نمود. بیت :

احمد و محمود و محمد بنام صاحب معراج علیه السلام  
 اما بعد میگوید بندهء هیچ میرز عبدالاحد رابط ابن محمد  
 فایق که محبت دلی بنص شناس قلم خفی و جلی شیخ نظیر  
 حمید مدتی به تلمیذ جناب کمالات انتساب حافظ محمد  
 ابراهیم ولد حافظ نورالله استاد نواب آصف الدوله بهادر  
 نورالله مرقدہ کہ در فن خوش نویسی (ص: ۳) سکہ بنام  
 ایشان است، مستفید مانده، در فن مذکور استعدادی بهم  
 رسانید. بسبب رسوخیت شاگردی کہ از این داعی بالخیر هم  
 میداشت، مستدعی آن شد کہ اگر قواعد خوش نویسی بطرز  
 خاص حوالهء زبان قلم نمایند برای طالبان این فن فایدهء  
 معتد به متصور است. از آنجا کہ پاس خاطر احباً واجب و  
 لازمست، بنابراین من فقیر حقیر قواعد مذکورہ را اولاً در  
 رشتہء نثر و ثانیاً در سلك نظم در آوردم ، تا اکثر طبایع کہ  
 مناسبت باشعار دارند حفظ نمایند و ثانیاً (ص: ۴) شکل هر  
 حرف مع قاعدهء آن نوشتہ تا (به) هیچ نہج در ادراک آن  
 دقتی باقی نماند (۲) و مسمی باسم "قانون خوش نویسی"  
 ساختم. از رمز شناسان این فن امید قوی کہ اگر سهوی و  
 خطائی رفتہ باشد اغماض نظر فرمایند.

### مقدمه:

بدانکہ خوش نویسی فنی ایست (۲) شریف  
 و منزلتییست لطیف. حضرت رسالت پناهی "الخط نصف

العلم (۴) ارشاد نموده ، و جناب ولایت مآب علیکم بحسن الخط و هو مفاتیح الرزق و صحبت الملوك و السلاطین (۵) (کذا) فرمود. بعضی نادانان دانا نما (ص: ۵) بمصوری و نقاشی محمول میکنند. اگر همچنین می بود جناب رسالت پناه حکم باطفال قریش بنا بر آموختن خط نمی فرمودند و جناب امیرالمومنین خود به نفس نفیس درین فن اقدام نمی نمود. حکما (ی) ما سبق اول تحصیل خوش خطی میساختند. بعد از آن بتحصیل دیگر علوم می پرداختند. پس اهل علم را از خط گریز نیست و فاضل ترین خطوط، خط نستعلیق است. هرچند از هفت خط مشهوره خارج است، لیکن آن اصل و اینها فرع و واضع اصل نستعلیق بنصر شناس قلم خفی و جلی مولانا میر علی<sup>(۶)</sup> است رحمة الله علیه (ص: ۶) که از نسخ و تعلیق وضع نموده تلسیم نام گذاشت. چون قصه میر علی و بشارت فیض اشارت امیرالمومنین علی علیه السلام در عالم رویا شهرتی تمام دارد لهذا راقم آثم درین باب کوتاه قلمی مناسب وقت دانسته بدیگر مدعا می پردازد.

پوشیده نماید که علت غائی از خوش نویسی فقط کشیدن شکل حروف نیست (۷) بلکه در کشیدن شکل حروف رعایت ادا نمودن دقایق و قواعد که واضع این فن مرعی داشته و این حاصل نمی شود الا به تعلیم اوستاد کامل و یا مطالعه رسایل این فن و چنانکه در تحصیل علم رسائی ذهن و نیروی عقل از واجبات است، در این فن نیز تا دقایق آن را

بوجه احسن دریافته همچنان تحریر نماید.

### (ص: ۷) فصل:

بدانکه اول خوش نویسی تراشیدن قلم است. باید که قلم را بمقدار گلوی قلم پیمایش نموده از طرف تراشد تا در نوشتن بر نگردهد و قط را قدری مایل بکجی دهد تا نزاکت حروف بخوبی حاصل شود و هر دو پرّه قلم برابر باشد که از هر طرف که ملاحظه کرده شود یکسان بنظر آید.

### فایده:

مبتدی را باید که در ابتدای مشق قلم را بسیار جلی نماید تا حسن و قبح حروف بالکل بدریافت رسد و دستش قوت گیرد و از قلم خفی عیوب خط مخفی میماند و نیز در مشق میباید که بنابر حصول قوت دست ملاحظه قواعد بنماید. مدات و کشش هر قدر که خواهد کشد. هر چند در خوشنویسی قلم خوب واجب و لازم است (ص: ۸) لیکن نزد این هیچ میرز اولی آنکه مقید این معنی نباید شد تا در صحبت ملوک و سلاطین خرج کلی رو ندهد و در وقت نوشتن بیک زانو نشیند و تا کشیدن حرف حبس یعنی بند دم بنماید و بغلها را تنگ دارد که کشاد نشود و منجمه بست و هشت حروف مفرده مبسوطه بست و یک حرف به نوشتن می آید زیرا که تای فوقانی و تای مثلثه حکم بای موخده و حای حطی و خای معجمه حکم جیم و صاد معجمه حکم صاد مهمله و



غین معجمه حکم عین مهمله میدارد و نیز لحاظ باید داشت که هنگام تحریر سر هر حرف برابر واقع شود که اگر خطی بر آنها کشیده شود سر هر حرف بخط آید تا سطر کج نگردد و حروف از کرسی خود نیفتند. دیگر نویسندگان را باید که از وقت عصر تا نماز مغرب قلم نگیرد (ص: ۹) که موجب نقصان بینائی چشم است. باقی هر وقت که خواهد نویسد.

### فصل در بیان قواعد مفردات:

باید که الف مکتوبی راست و یکسان باشد و درازی اش (۸) از سه نقطه نگذرد و حرکات همزه بطریق رمز و ایما ازو ظاهر باشد که اگر معکوس ملاحظه کرده شود همان صورت الف جلوه ظهور گیرد. بیت:

بود طول الف سه نقطه ای یار

ولی حرکات همزه هم پدیدار

بدانسان گر کنی معکوس او را نشانی

همانصورت به بیند چشم بینا

بدین شکل ۱/۳

حرف الباء: باید که از الف فرق يك نقطه گذاشته بکشد و گردنش باریک از نوک قلم بمقدار يك نقطه و تنش بدرازی نه نقطه باشد و نیز بعضی به هفت و بعضی به یازده نقطه (ص: ۱۰) حکم نموده اند. فی زماننا مروج قول اخیر است



و تاي فوقانی و تاي مثلثه همین حکم دارد. بیت:

بود باریک و يك نقطه سر با

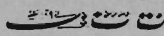
به نه نقطه دراز و طول اما

دگر کردندهم اهل درایت

نه هفت یازده نقطه کنایت

ز دانایان این فن هم پس از با

همین حکم است حرف تا و ثا را

بدین شکل  **جیم**

حرف الجیم: باید که سر جیم يك و نیم نقطه باشد و گردنش

باریک بمقدار سه نقطه مایل بکجی و در خط کشیدن نقصانی

بدایره نرسد و دایره اش مثل بیضه مرغ بود و گنجایش

پنج نقطه داشته باشد و نون ازو بظهور آید و حای حطی و

حای معجمه همین حکم دارد:

بباید نیم و يك نقطه سر جیم

(حر: ۱۱) بود دورش بدور بیضه ترقیم

بگنجد در میانش نقطه پنج


بر آید حرف نون هم ای رقم سنج

بمقدار سه نقطه گردن او

خم و باریک اندک چو سر مو

دگر دو حرف ما بعدش و آن

نه از وی بیش و نی کم هر دو یکسان

بدین شکل  **جیم**

حرف الدال: باید که حرف دال چنان باشد که های هوز و رای مهمله ازو بظهور آید و وصلش يك نقطه و حرف راست.

بیت:

پس آنکه چون در آیی<sup>(۹)</sup> بر سر دال

رقم کن بر سر را نقطه فی الحال

بدین شکل :

حرف الرا: باید که حرف را دو نقطه باشد مایل به راستی.

بیت:

بود دو نقطه حرف را بصورت

همین حکم است از باب کتابت

(ص: ۱۲) بدین شکل : را باید نوشت.


حرف الذال : پوشیده نماند که واضع این فن در میان دال مهمله و ذال معجمه و رای مهمله و زای معجمه هیچ فرقی نداشت، يك حکم کرد. اما استادان خلف در میان حروف مذکوره بنابر تمیز، فرقی بر آورده اند و آن اینست که دال مهمله يك نیم (۱۰) نقطه باشد و حرف رای مهمله و های هوز ازو بظهور آید و ذال معجمه يك نقطه باشد و حرف زای معجمه ازان بر آید و رای مهمله از دو نقطه مایل به راستی و رای مهمله از دو نیم نقطه مایل بکجی جلوه ظهور گیرد.

بیت :


یکی رمزی ز من بشنو بتحقیق

که اول اوستاد نسخ و تعلیق

نموده حکم دال و ذال یکسان  
 همان حکمش به را و زا روان دان  
 ولی کردند اوستادان ماهر  
 میان جمله آنها فرق ظاهر  
 (ص: ۱۲) يك و هم نیم نقطه دال کردند  
 دگر (۱۱) يك نقطه حکم ذال کردند  
 به قول شان دو نقطه حرف را شد  
 دو هم نیم نقطه حرف زا شد

بدین شکل  باید نوشت.

حرف الزا: باید که حرف زای معجمه دو نیم نقطه مایل  
 به کجی باشد و نیز صورت طایری پدید آید، بیت:  
 دو و هم نیم نقطه ساز را را  
 که گردد صورت طایر هویدا


بدین شکل 

حرف السین: دندان اول سر سین مهمله يك نقطه و دندانه  
 دومی يك نقطه و قدری کشاده باید و گردنش بمقدار سه  
 نقطه مایل بخمی و دایره اش بشکل بیضه به گنجایش پنج  
 نقطه باشد. بیت:

بود دندان سین ای مرد دانا

بقدر نقطه در چشم بینا

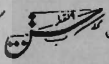

(ص: ۱۴) دگر دندانہ اش زانگونه باید  
 کہ از اوّل دگر افزون نماید  
 بمقدار سه نقطه گردنش ساز  
 به شکل بیضه دور او به پرداز

بدین شکل 

حرف الشین : باید که کشش شین معجمه بمقدار هفت یا نه  
 نقطه باشد و اوّل طول قدری مایل به کجی پست و بلند  
 چنانکه اگر از پستی سه نقطه نوشته، خط کشیده شود ،  
 مقابل بلندی افتد و همچنین از طرف بلندی و بالایش اگر  
 خطی کشیده شود ، تشبیه کمان ندّاف پیدا کند. بیت:

شود حد کشش در شین منقوط  
 بقدر هفت یا نه نقطه مربوط  
 بلند و پست ماند سه نقطه وار

همان دورش به شکل دیگر ادوار


بدین شکل  که  کس جامع علوم انسانی

(ص: ۱۵) مخفی نماید که از حرف شین منقوط اوستادان  
 سلف چند حروف برآورده بودند. فی زماننا سر دفتر  
 خوشنویسان روزگار، نسخ ساز خط خوشخطان ذوالاقتدار،  
 یادگار اساتذّه سلف، فخر اوستادان خلف یعنی حافظ محمد  
 ابراهیم دام اسمہ از حرف مذکورہ همهء حرف مفردات  
 بر آوردند. بیت:

همه اهل قلم در عهد پیشین  
 بر آوردند حرف چند از شین  
 مگر اوستاد دوران کان یگانه  
 بنام حافظ آمد در زمانه  
 ز حرف شین بر آورده همه حرف  
 بنحوی کس نکرد این قاعده صرف  
 بدین شکل (۹) باید نگاشت.


حرف الصاد: سر صاد آنچنان باشد که از وی سر صاد دیگر  
 میتوان ساخت و نیز حکم ضاد معجمه همین است، (ص: ۱۶)  
 بیت:

سر صاد از قلم باید چنان ساخت  
 که از وی صاد دیگر میتوان ساخت

بدین شکل 

حرف الطاء: الف طا بمقدار دو نقطه کشاده باشد و دامنش  
 مقدار یک نقطه از الف جدا و مابعد آن سر صاد و سفیدی  
 باندازه تخم تریز (۱۲) و همین حکم طای معجمه. بیت:


بود طایک الف دیگر سر صاد  
 بقدر نقطه دامن میتوان داد

بدین شکل 

حرف العين: سر عین مهمله یک نقطه و خطی باریک مایل  
 بکجی باشد و سر صاد پدید آید و حرف جیم از جلوه ظهور


گیرد و تشبیه بدهان گشاده شیر دارد و همین حکم غین معجمه است. بیت:

دهان باز شیر آمد سر عین  
 خطی باریک و یک نقطه است مابین  
 (ص: ۱۷) اگر خواهی سر صا از سر آن  
 شود با جیم حاصل ای سخندان

بدین شکل  شکل


حرف الف: سر فایک نقطه مدور است و بای موحده. بیت:

مدور نقطه آمد سر فا  
 دگر باقی همه شد صورت با

بدین شکل  شکل

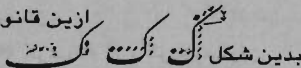
حرف القاف: سر قاف یک نقطه مدور بطریق فا و باقی حرف نون باید که در مدوری چنان باشد که تشبیه سم اسپ داشته باشد. بیت:

سر قاف است هم رنگ سر فا  
 دگر گردید هم نون آشکارا

بدین شکل  شکل

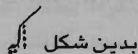
حرف الکاف: از ترکیب الف با بای موحده و یک مرکز بالایش بمقدار چهار نقطه یا پنج نقطه حرف کاف مرکب میشود (ص: ۱۸). بیت:

چو بر حرف الف با را در آری  
 دگر مرکز ببالایش گذاری  
 بقدر چار نقطه طول یا پنج  
 نمایی (۱۲) مرکزش را ای سخن سنج  
 نماید جلوه حرف کاف بی شک

ازین قانون نشد بسیار و اندک  
 بدین شکل 

دیگر کاف خورده که اندر شکم کاف تازی مینویسند،  
 مرکب است از الف و با و های مهمله که نقطه باشد و از  
 مرکز و از حروف بست و هشت خارجست. بیت:

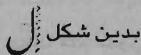
ز کاف چو زدی پرسى چه از ما  
 مرکب با الف کن نقطه به را  
 دگر بگذار مرکز بر سر او  
 که گردد جلوه فرما پیکر او

بدین شکل 

حرف اللام: حرف لام از الف پنج نقطه و نون مرکب است  
 (ص: ۱۹). بیت:

کنم اکنون ز حرف لام تقریر  
 که چون آرند اوستادان بتحریر  
 الف باید بقدر نقطه پنج

نه پس آنکه نون نماید جلوه بی رنج

بدین شکل 



حرف الميم: سر حرف ميک نقطه و گردنش دو نقطه و الفش پنج نقطه باشد و از دامن ميک صورت لام بر آيد و ميک نقطه عليحه ماند. بيت:

ز ميک نقطه سر ميک است پيدا

دو نقطه گردن او شد هويدا

الف شد دامن اوليک زانسان

که حرف لام ازو گردد نمايان



بدین شکل

حرف النون: سر حرف نون دو نقطه و دور دو نقطه و دامن دو نقطه باشد و بعضی نوشته اند که سر نون (ص: ۲۰) بقدر دو نقطه و دایره اش بگنجایش پنج نقطه بود و حرف جیم بر آید. بيت:

شد از شش نقطه حرف نون نمايان

بود دو گردن و دو تن دو دامان

بدامانش گذاری گز سر جیم

بچشم آید بعینه پیکر جیم

بدین شکل

حرف الواو: سر حرف واو ميک نقطه مدور مانند فا است ديگر حرف رای معجمه. بيت:

سر واو از مدور نقطه بايد

بزای معجمه پيوند شايد

بدین شکل

حرف الها: سرهای مهمله ميک نقطه و باقی از نوك قلم مدور

و بیاضش بقدر يك نقطه باشد. بیت:

سرها نقطه آمد مدور

ز نوك خامه كن چون حلقه در

(ص: ۲۱) بیاضی در میان حلقه او ،

بقدر نقطه بسیار است نیکو

بدین شکل ۵۴

دیگر های دو چشمی هر چند از حروف تهجی مرقومه الصدر خارج است، لیکن چون خوشنویسان نوشته اند و قواعد آن بر آورده ، بنابر این تحریر قواعدش نیز مناسب حال دید. باید که های دو چشمی چنان باشد که از سر اوّل نقطه هی و از سر دیگر یای تحتانی و از چشمه اوّل سر صاد و از چشمه دیگر سر طا بر آید و بعضی بر آند که از هر دو چشمه دو های مهمله ظاهر شود و باقی مانند کشش سین منقوط بمقدار هفت یا نه نقطه و خطی باریک باشد. بیت:

بود های دو چشمی آنکه او را

ز يك سر هی بر آید و ز دیگر یا

ز هر دو چشمه صاد و طا بر آید

مد سین و خطی باریک شاید

(ص: ۲۲) ولی گفتند بعضی اوستادان

که از هر چشمه ها گردد نمایان

بدین شکل ۵۵

حرف لام الف: لام الف دو الف است از اوّل دوم قدری کوتاه

و يك نقطه جلی در میان هر دو بیاضش بقدر يك الف و از

حروف تهجی خارج. بیت:

بنای لام الف از دو الف ساز

یکی طول و دگر کوتاه پرداز

میان هر دو يك نقطه جلی آر

الف واری بیاضش را نگهدار

~

بدین شکل

حرف الهمزه: همزه خطی است منحنی و نزد بعضی دو نقطه

بقلم خفی و از حروف مذکوره خارج. بیت:

بود همزه خطی باریک و خم دار

بقول آمده دو نقطه مقدار

بدین شکل

حرف الیا: سریای تحتانی بقدر سه نقطه (ص: ۲۲) باید که

دال معکوس خوانده شود و مقدار يك نقطه گردش که يك دل

راست، بنظر آید و یای دیگر پدید آید و دایره اش از دیگر

دوایر خورد باشد. بیت:

دو دال آمد سر یا وقت ارقام

یکی چپ دیگری شد راست انجام

سر و گردن ببايد انچنان ساخت

که حرف یای دیگر میتوان ساخت

ز ادوار حروف دایره دار

تو دورش را بقدر خورد بشمار

بدین شکل

بدانکه یای معکوس همین یای تحتانی است صرف

اختلاف شکل و نامست. اول سر زای معجمه و دیگر یای  
 موحده باشد و باید که بیاضش بقدر يك نقطه باشد که سر  
 عین مهمله ازو بظهور آید. بیت:

اگر خواهی نویسی یای معکوس

(ص: ۲۴) دو حرف معجمه میساز مانوس

یکی شد حرف زا و دیگری با

سر عین از خمش گردد هویدا

بدین شکل 

بحمدالله ز کلک نکته پرداز

شد آخر جلوه فرما شاهد راز

ز فن خوش نویسی حرف راندم

بتعریفش همه گوهر فشانددم

شنیدم هرچه ز استادان این فن

بنظم و نثر گشتم رابطش من

بطرز خاص گفتم این قواعد

رسد تا خوش نویسان را فواید

ز الطاف خدا امید وارم

که این نسخه شود مقبول عالم

تمت تمام شد هذا الكتاب مسمی به قانون خوشنویسی

بخط بی ربط بنده کندن لال باشنده، خیرآباد فی الشهر

لکهنو ۱۲۶۹ هجری المقدس، (ص: ۲۵) تاریخ دوم شهر شوال بر

طبق فرمایش جناب مرزا صاحب مظهر فیض وجود مرزا

قاسم بیگ صاحب داروغه، سرکار نواب ملکه زمانیه صاحبه،

بپاس خاطر دریا مقاطر، صاحب زادهٔ بلند اقبال میرزا مسیتا بیگ صاحب که آثار علم و هنر از طرز نشست او پیدا و رقوم خاتم فنون و قابلیت از خطوط لوح ناصیه اش هویدا بود، سمت تحریر یافت. ایزد جهان آفرین توفیق خواندن و نوشتن رفیق نماید و به عمر طبیعی رساند. فقط عهد جلوس شاهنشاه عادل، شاه سلطان عالم پادشاه غازی خدالله ملکه و سلطنته.

### حواشی:

- ۱- ترجمه: آغاز کلام اهل کلام.
- ۲- اصل: باقیماند.
- ۳- اصل: فنیی است.
- ۴- ترجمه: خط (خوشنویسی) نصف علم است.
- ۵- ترجمه: لازم است برای شما که خط خوب داشته باشید. خط خوب باب رزق را باز میکند و به حضور سلاطین میرساند.
- ۶- میرعلی تبریزی (متوفی: ۱۴۴۶/۸۵۰) که هم رساله ای در اصول خط نوشته.
- ۷- اصل: حروفست.
- ۸- اصل: درازیش.
- ۹- اصل: در آی.
- ۱۰- اصل: یکیم.
- ۱۱- اصل: دیگر.
- ۱۲- یعنی هندوانه.
- ۱۳- اصل: نمای.